

حکم شریعت

¹ ای برادران، آیا نمی‌دانید زیرا که با عارفین شریعت سخن می‌گویم، که مادامی که انسان زنده است، شریعت بر وی حکمرانی دارد؟² زیرا زن منکوحه برحسب شریعت به شوهر زنده بسته است، اما هرگاه شوهرش بمیرد، از شریعت شوهرش آزاد شود.³ پس مادامی که شوهرش حیات دارد، اگر به مرد دیگر پیوندد، زانیه خوانده می‌شود. لکن هرگاه شوهرش بمیرد، از آن شریعت آزاد است که اگر به شوهری دیگر داده شود، زانیه نباشد.⁴ بنابراین، ای برادران من، شما نیز بوساطت جسد مسیح برای شریعت مرده شدید تا خود را به دیگری پیوندید، یعنی با او که از مردگان برخاست، تا بجهت خدا ثمر آوریم.⁵ زیرا وقتی که در جسم بودیم، هوسهای گناهانی که از شریعت بود، در اعضای ما عمل می‌کرد تا بجهت موت ثمر آوریم.⁶ اما الحال چون برای آن چیزی که در آن بسته بودیم مُردیم، از شریعت آزاد شدیم، به‌حَدّی که در تازگی روح بندگی می‌کنیم نه در کهنگی حرف.

شریعت و گناه

⁷ پس چه گوئیم؟ آیا شریعت گناه است؟ حاشا! بلکه گناه را جز به شریعت ندانستیم. زیرا که شهوت را نمی‌دانستیم، اگر شریعت نمی‌گفت که: طمع موزر.⁸ لکن گناه از حکم فرصت جسته، هر قسم طمع را در من پدید آورد، زیرا بدون شریعت گناه مرده است.⁹ و من از قبل بدون شریعت زنده می‌بودم؛ لکن چون حکم آمد، گناه زنده گشت و من مردم.¹⁰ و آن حکمی که برای حیات بود، همان مرا باعث موت گردید.¹¹ زیرا گناه از حکم فرصت یافته، مرا فریب داد و به آن مرا کُشت.¹² خلاصه شریعت مقدّس است و حکم مقدّس و عادل و نیکو.¹³ پس آیا نیکویی برای من موت گردید؟ حاشا! بلکه گناه، تا گناه بودنش ظاهر شود، به‌وسیله نیکویی برای من باعث مرگ شد تا آنکه گناه به‌سبب حکم بغایت خبیث شود.

¹⁴ زیرا می‌دانیم که شریعت روحانی است، لکن من جسمانی و زیر گناه فروخته شده هستم،¹⁵ که آنچه می‌کنم نمی‌دانم زیرا آنچه می‌خواهم نمی‌کنم بلکه کاری را که از آن نفرت دارم بجا می‌آورم.¹⁶ پس هرگاه کاری را که نمی‌خواهم بجا می‌آورم، شریعت را تصدیق می‌کنم که نیکوست.¹⁷ و الحال من دیگر فاعل

سیاده التاموس

¹ أَمْ تَجْهَلُونَ، أَيُّهَا الْإِخْوَةُ، لَأَنِّي أَكَلِمُ الْعَارِفِينَ بِالتَّامُوسِ، أَنَّ التَّامُوسَ يَسُوذُ عَلَى الْإِنْسَانِ مَا دَامَ حَيًّا؟ فَإِنَّ الْمَرْأَةَ الَّتِي تَحْتَ رَجُلٍ هِيَ مُرْتَبِطَةٌ بِالتَّامُوسِ بِالرَّجُلِ الْحَيِّ، وَلَكِنْ إِنْ مَاتَ الرَّجُلُ فَقَدْ تَحَرَّرَتْ مِنَ تَامُوسِ الرَّجُلِ. فَإِذَا، مَا دَامَ الرَّجُلُ حَيًّا تُدْعَى رَأِيَّةً إِنْ صَارَتْ لِرَجُلٍ آخَرَ، وَلَكِنْ إِنْ مَاتَ الرَّجُلُ فَهِيَ حُرَّةٌ مِنَ التَّامُوسِ حَتَّى إِنِّهَا لَيْسَتْ رَأِيَّةً إِنْ صَارَتْ لِرَجُلٍ آخَرَ. إِذَا، يَا إِخْوَتِي، أَنْتُمْ أَيْضًا قَدْ مُنْتَمِئْتُمْ لِلتَّامُوسِ بِجَسَدِ الْمَسِيحِ لِكَيْ تَصِيرُوا لآخَرَ، لِلَّذِي قَدْ أُفِيمَ مِنَ الْأُمُوتِ، لِنُتِمَّرَ لَهُ. ⁵ لِأَنَّهُ لَمَّا كُنَّا فِي الْجَسَدِ كَانَتْ أَهْوَاءُ الْخَطَايَا الَّتِي بِالتَّامُوسِ تَعْمَلُ فِي أَعْضَائِنَا لِكَيْ تُثْمِرَ لِلْمَوْتِ، ⁶ وَأَمَّا الْآنَ فَقَدْ تَحَرَّرْنَا مِنَ التَّامُوسِ، إِذْ مَاتَ الَّذِي كُنَّا مُمَسْكِينَ فِيهِ، حَتَّى تَعْبُدَ بِجِدَّةِ الرُّوحِ لَا بِعَيْنِ الْحَرْفِ.

⁷ فَمَادَا تَقُولُ؟ هَلِ التَّامُوسُ خَطِيئَةٌ؟ حَاشَا، بَلْ لَمْ أَعْرِفِ الْخَطِيئَةَ إِلَّا بِالتَّامُوسِ، فَإِنِّي لَمْ أَعْرِفِ الشَّهْوَةَ لَوْ لَمْ يَقُلِ التَّامُوسُ: "لَا تَشَبَّهِ". ⁸ وَلَكِنْ الْخَطِيئَةُ، وَهِيَ مُتَّخِذَةُ فُرْصَةٍ بِالْوَصِيَّةِ، أَنْشَأَتْ فِيَّ كُلَّ شَهْوَةٍ، لِأَنِّي بِدُونِ التَّامُوسِ الْخَطِيئَةُ مَبْتَنِيَّةٌ. ⁹ أَمَّا أَنَا فَكُنْتُ بِدُونِ التَّامُوسِ عَانِيًا قَبْلًا، وَلَكِنْ لَمَّا جَاءَتِ الْوَصِيَّةُ عَاشَتْ الْخَطِيئَةُ، فَمُنْتُ أَنَا، فَوُجِدَتِ الْوَصِيَّةُ الَّتِي لِلْحَيَاةِ هِيَ تَفْسُهَا لِي لِلْمَوْتِ. ¹¹ لِأَنَّ الْخَطِيئَةَ، وَهِيَ مُتَّخِذَةُ فُرْصَةٍ بِالْوَصِيَّةِ، حَذَعْنِي بِهَا وَقَتْلَنِي. ¹² إِذَا التَّامُوسُ مُقَدَّسٌ وَالْوَصِيَّةُ مُقَدَّسَةٌ وَعَادِلَةٌ وَصَالِحَةٌ. ¹³ فَهَلْ صَارَ لِي الصَّالِحُ مَوْتًا؟ حَاشَا، بَلِ الْخَطِيئَةُ، لِكَيْ تَطْهَرَ خَطِيئَةُ مُنْشَأَةٍ لِي بِالصَّالِحِ مَوْتًا، لِكَيْ تَصِيرَ الْخَطِيئَةُ خَاطِلَةً جِدًّا بِالْوَصِيَّةِ.

¹⁴ فَإِنَّا نَعْلَمُ أَنَّ التَّامُوسَ رُوحِيٌّ وَأَمَّا أَنَا فَجَسَدِيٌّ مَبِيعٌ تَحْتَ الْخَطِيئَةِ. ¹⁵ لَأَنِّي لَسْتُ أَعْرِفُ مَا أَنَا أَفْعَلُهُ إِذْ لَسْتُ أَفْعَلُ مَا أَرِيدُهُ بَلْ مَا أَنْعَضُهُ قِيَّابُهُ أَفْعَلُ. ¹⁶ فَإِنْ كُنْتُ أَفْعَلُ مَا لَسْتُ أَرِيدُهُ فَإِنِّي أَصَادِقُ التَّامُوسَ أَنَّهُ خَسَنٌ. ¹⁷ قَالَانَ لَسْتُ بَعْدُ أَفْعَلُ ذَلِكَ أَنَا بَلِ الْخَطِيئَةُ السَّاكِنَةُ فِيَّ. ¹⁸ فَإِنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ سَاكِنٌ فِيَّ، أَيْ فِي جَسَدِي، شَيْءٌ صَالِحٌ، لِأَنَّ الْإِرَادَةَ خَاصِرَةٌ عِنْدِي وَأَمَّا أَنْ أَفْعَلَ الْخُسْتَى فَلَسْتُ أَجِدُ. ¹⁹ لَأَنِّي لَسْتُ أَفْعَلُ الصَّالِحَ الَّذِي أَرِيدُهُ بَلِ الشَّرُّ الَّذِي لَسْتُ أَرِيدُهُ قِيَّابُهُ أَفْعَلُ. ²⁰ فَإِنْ كُنْتُ مَا لَسْتُ أَرِيدُهُ إِنِّي أَفْعَلُ، فَلَسْتُ بَعْدُ أَفْعَلُهُ أَنَا بَلِ الْخَطِيئَةُ السَّاكِنَةُ فِيَّ. ²¹ إِذَا أَجِدُ التَّامُوسَ

لِي، حِينَمَا أُرِيدُ أَنْ أَفْعَلَ الْخَيْرَ، أَنَّ الشَّرَّ حَاضِرٌ عِنْدِي.²² فَإِنِّي أَسْرُّ بِتَامُوسِ اللَّهِ بِخَسْبِ الْإِنْسَانِ الْبَاطِلِينَ، وَلَكِنِّي أَرَى تَامُوساً آخَرَ فِي أَعْضَائِي يُجَارِبُ تَامُوسَ ذَهْنِي وَيَتَسَبَّبُ إِلَيَّ تَامُوسُ الْخَطِيئَةِ الْكَائِنِ فِي أَعْضَائِي.²³ وَيُحْيِي أَنَا، الْإِنْسَانُ السَّقِيُّ، مَنْ يُنْقِذُنِي مِنْ جَسَدِ هَذَا الْمَوْتِ؟²⁴ أَشْكُرُ اللَّهَ يَسُوعَ الْمَسِيحَ رَبَّنَا. إِذَا أَنَا تَفْسِي يَذْهَبُ أَخْدُمُ تَامُوسَ اللَّهَ وَلَكِنْ بِالْجَسَدِ تَامُوسَ الْخَطِيئَةِ.

آن نیستم بلکه آن گناهی که در من ساکن است.¹⁸ زیرا می‌دانم که در من، یعنی در جسم هیچ نیکویی ساکن نیست، زیرا که اراده در من حاضر است اما صورت نیکو کردن نی. زیرا آن نیکویی را که می‌خواهم نمی‌کنم، بلکه بدی را که نمی‌خواهم می‌کنم.²⁰ پس چون آنچه را نمی‌خواهم می‌کنم، من دیگر فاعل آن نیستم بلکه گناه که در من ساکن است.²¹ لهذا این شریعت را می‌یابم که وقتی که می‌خواهم نیکویی کنم بدی نزد من حاضر است.²² زیرا برحسب انسانیّت باطنی به شریعت خدا خشنودم.²³ لکن شریعتی دیگر در اعضای خود می‌بینم که با شریعت ذهن من منازعه می‌کند و مرا اسیر می‌سازد به آن شریعت گناه که در اعضای من است.²⁴ وای بر من که مرد شقیای هستم! کیست که مرا از جسم این موت رهایی بخشد؟²⁵ خدا را شکر می‌کنم بوساطت خداوند ما عیسی مسیح. خلاصه اینکه من به ذهن خود شریعت خدا را بندگی می‌کنم و اما به جسم خود شریعت گناه را.